

فرهنگ اندیشه - ۵

# بینادهنیت

به کوشش:

دکتر عباس منوچهری

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



انکارات کازستان اندیشه

تهران ۱۴۰۳

سرشناسه	منوچهری، عباس، ۱۳۳۵، - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	بینادهنیت/ به کوشش عباس منوچهری
مشخصات نشر	تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۱۹۲ ص.
فروست	فرهنگ اندیشه: ۵.
شابک	978-622-5273-75-7
موضوع	بینادهنیت. پدیده‌شناسی. Phenomenology - Intersubjectivity
رده‌بندی کنگره	۱۸/۸۲۴B
رده‌بندی دیویی	۱۲۸
شماره کتابشناسی ملی	۹۴۶۶۵۸۶

www.ketab.ir

## بینادهنیت

### فرهنگ اندیشه - ۵

به کوشش: دکتر عباس منوچهری

ناشر: نگارستان اندیشه

نوبت چاپ: نخست، ۱۴۰۳

طراح جلد: سعید صحابی

صفحه‌آرایی: مرتضی انصاف‌منش

چاپ و صحافی: بوستان

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

978-622-5273-75-7

حقوق نشر، برای ناشر محفوظ است.

نشانی: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹، واحد ۷

تلفن: ۶۶۴۳۵۴۱۶ / ۶۶۹۴۲۵۴۲ / شماره: ۲۹، واحد ۷

www.cins.ir - info@cins.ir



انتشارات نگارستان اندیشه

مقدمه / سردبیر ... ۷

متون کلاسیک بنیاد ذهنیت / مصطفی یونسی ... ۱۱

پدیده‌شناسی هوسرل، گذار (از تجربه سولیپسیستی) به تجربه

بین‌الذهانی / سعیده کوکب ... ۳۵

اشتراک بین‌الذهانی / دیگری آن طور که به نحو قصدی تبیین می‌شود

کواتین لار / ترجمه سعیده کوکب ... ۵۵

تشارک بین‌الذهانی: جهانی که مورد اعتقاد همگان است / رابرت سوکونوفسکی / ترجمه

علیرضا حسن پور ... ۷۵

پرسش از بنیاد ذهنیت از چشم‌انداز مرلوپوتتی / محمدرضا قربانی ... ۸۳

مقوله بین‌الذهانی و دیالوگ / محمد ضمیران ... ۱۱۳

حکمت، فلسفه حکمت و گو / حاتم قادری ... ۱۲۷

دوستی، بیناد ذهنیت و اخلاق / اس‌پول لار / ترجمه علی اکبر عبدل آبادی ... ۱۴۷

ملاحظات انسانی شناختی در آراء سیاسی ارسطو / احمد بنی جمالی ... ۱۵۳

دوستی، بیناد ذهنیت و همبستگی / عباس منوچهری ... ۱۸۳

معناشناسی تعامل / حمیدرضا شعیری ... ۱۹۹

بررسی و نقد کتاب: نگهبان گفت و گو / پدیدارشناسی شلر،

جامعه‌شناسی معرفت، و فلسفه عشق /

مصطفی یونسی ... ۲۱۹



"بینادھنیت" ترجمه intersubjectivity است. این واژه از دو بخش inter و subjectivity تشکیل شده است. Inter در زبانهای اروپایی به معنای "بین" یا "میان" است؛ اما، subjectivity از سوژکتیو (subjective) به علاوه قید حالت ity تشکیل شده است. سوژکتیو از سوژه (subject) و پسوند صفتی ive تشکیل شده است. واژه سوژه واژه‌ای چندمعنایی است. ریشه لغوی آن به subjectum لاتینی برمی‌گردد که خود ترجمه (hupokeimenon/ηποκειμενον) یونانی است. نزد ارسطو این واژه به معنای بنیان بود، اما subjectum در لاتین<sup>۱</sup> معنایی سه وجهی به خود گرفت: ماده اولیه، موضوع اطلاق به چیزی و به فاعل یک جمله. در زبان انگلیسی سوژه همان معنای رعیت را به خود گرفت؛ ولی در آغاز عصر مدرن معنای کاملاً جدیدی در اندیشه دکارت پیدا کرد. وی از سوژه به عنوان "شناسنده" استفاده کرد. دکارت از تعبیر "شناسنده" برای "ذهن" آدمی چونان کانون و مرجع بنیادین وجود او بهره برد. او "ذهن شک‌کننده" را تنها چیزی می‌دانست که در مورد آن نمی‌توان شک کرد؛ و چون شناسنده بودن صفت ممیزه آدمی به حساب آمد و هر چیزی تنها

۱. subjectum مذکر است و subjectus خنثی. هر دو حالت اسم مفعول هستند برای subicere که از sub به معنای "زیر" و jacere به معنای "پرتاب" تشکیل شده است.

به یمن این مرجع شناسنده امکان شناخته شدن را پیدا کرد، "ذهن" و "خود" در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی یکسان شدند. این یکسانی در تعبیر cogito ergo sum بیان شد. و بدینسان با آغاز عصر مدرن، اصالت سوژه، به معنای "ذهن" و به معنای "خود" اصل محوری در فلسفه شد. این تعبیر در فلسفه غرب تا کانت ادامه یافت و در آراء او به اصل "خودبنیادی" آدمی امتداد یافت. همچنین، "اصالت سوژه" در دیگر قلمروهای فکری با عناوینی چون "فلسفه آگاهی" (philosophy of consciousness) یا "اصالت فرد" (individualism) تسری یافت.

پس از کانت، مکاتب فکری جدیدی شکل گرفتند که اصل محوری فلسفه دکارت را به چالش کشیدند. نخستین بار هگل در بحث "سرور و برده" کانون خودآگاهی را از ذهن دکارتی به تعامل اذهان منتقل کرد. پس از وی، مارکس در ساختارگرایی اجتماعی خود، تعیین‌کنندگی را در خاستگاه اجتماعی و رابطه آدمی با ابزار تولید یافت. در اواخر قرن نوزدهم، نیچه و فروید محوریت آگاهی انسان را مورد تردید جدید قرار دادند. در اوائل قرن بیستم روانکاوان انسان را از تخت سروری بر حیات ذهنی خویش پایین کشیدند و دوسوسور او را از فرماندهی بر زبان پایین کشید. نهایتاً اینکه "رابطه تولید" مارکس، "ناخودآگاه" فروید، "ایده هرمنوتیکی" دیلتای، "حضور" (Dasein) هایدگر، "قوایل غیرشخصی" دوسوسور و "ایدئولوژی" آلتوسر همگی یک معنا داشته‌اند: نفی محوریت انسان. لذا، "فردی"، "تک‌ذهنی" یا "تک‌گو" (monologic) بودن انسان در قالب مباحث و مقولاتی چون "بین‌الذهانیت" (intersubjectivity) و "دیگریت" (otherness) مورد پرسش و رد و طرد قرار گرفت.

در بین‌الذهانیت، بجای سوژه تک‌گو (Monologic)، سوژه تعاملی دارای محوریت است. هوسرل و مرلوپونتی نشان داده‌اند که انسان تا جایی آزاد است که در بین‌الذهانیت مشارکت داشته باشد. بر این مبنا باید گفت، پراکسیس فردی و جمعی متقابلاً با هم مرتبط‌اند. هوسرل به بین‌الذهانیت به عنوان مبنای ادبیات، هنر، تکنیک علم، قانون و سنت اشاره کرده است. مرلوپونتی نیز به "غیرفردی" بودن زبان اشاره دارد و گفتگو را به عنوان فعالیتی که در آن "نه

رقابت و نه تلاش برای برتری" وجود دارد، می‌شناسد. او از گفتگو به عنوان مدلی استفاده می‌کند که مرتبط بودن طرفین را شامل درک، تفکر و عمل هم می‌داند. استدلال مرلو این است که اگر درک، دلالت، تفکر و عمل خصوصیات ممیزه انسانند، و این خصوصیات هیچ یک فارغ از رابطه تعاملی نیستند، هیچ مبنای وجودی برای اینکه "خودبنیادی" معیار آزادی آدمی باشد وجود ندارد.

هانس گنورگ گادامر در هرمنوتیک فلسفی به یکسانی هرمنوتیک با فرونیسیس (phronesis) ارسطو تأکید می‌ورزد و فلسفه اخلاق را از طریق بینادذهنیتِ تفهیمی تعمیق می‌کند. اصالت "بینادذهنیت" در اندیشه یورگن هابرماس نیز محوریت دارد. وی با بهره‌گیری از آراء پیرس و آستین در زمینه پراگماتیسم فلسفی و نظریه کنش‌گفتاری (پراگماتیک عام/universal pragmatics) قائل به این است که انسان می‌تواند از طریق فرایند تعاملات اجتماعی، که در گفتگوی معطوف به اقناع و وفاق تجربه می‌شود، به خود بنیادی (Mundigkeit-Autonomy) نائل آید.

مجموعه حاضر، که در راستای آشنایی با مقوله بینادذهنیت تهیه شده است، حاصل یک تلاش جمعی است. همکاران دانشگاهی در چند حوزه تخصصی با این مجموعه همکاری کرده‌اند. آشنایی با چند متن اصلی در این زمینه آغازگر مجموعه است (فصل ۱). آنگاه به سرچشمه‌های فکری بینادذهنیت در فلسفه پرداخته شده است (فصلهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶). سپس یک مطالعه‌ای بین فرهنگی در این زمینه انجام شده است (فصل ۷). در این میان مقوله گفتگو نیز مورد توجه بوده است. سپس، به دو مقوله دوستی و همبستگی و رابطه آنها با بینادذهنیت توجه شده است (فصلهای ۸، ۹ و ۱۰). دو فصل ۹ و ۱۰ از دو منظر متفاوت به مقوله دوستی نزد ارسطو پرداخته‌اند. در فصل ۱۱، به بینادذهنیت در آموزش زبان توجه شده و در فصل پایانی آراء ماکس شرلر، از پیشگامان اندیشه بینادذهنیت، معرفی شده است.

با توجه به گستردگی قلمرو مباحث بینادذهنیت، این مجموعه تنها حکم مقدمه را دارد. بدیهی است می‌توان کارهای بهتر و بیشتری در این زمینه ارائه کرد. لذا، این مجموعه "جلد اول" نامیده شده است تا در مجلد دیگری کار ادامه یابد.